



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۲۱

فردوس

آیا امریکا می‌تواند «نقشه راه طالبان» را به همه تحمیل کند؟

برخی از رسانه ها خبر داده اند که در نشست خلیزاد با نماینده‌گان گروه طالبان جانب طالب ها پیشنهاد کرده اند که حکومت مؤقت به رهبری یکی از شخصیت‌های نزدیک به مرحوم محمد ظاهر شاه تشکیل شود و در مقابل خلیزاد خواستار آتش بس شده است. اما قراین نشان می دهد که گفت و گوها هنوز به این مراحل نرسیده است.

آقای خلیزاد در یک نشست خبری در کابل گفت که او انتظار دارد که تلاش‌هایش برای پایان جنگ نتیجه بدهد و طالبان در مذاکره با حکومت افغانستان و دیگر نیروهای سیاسی روی یک نقشه راه برای پایان جنگ توافق کنند. خلیزاد گفت که ماموریت او زمینه سازی برای مذاکره میان طالبان، حکومت افغانستان و نیروهای سیاسی داخلی است. او بر مشروعیت حکومت افغانستان تاکید کرد و گفت که راه حل این است که طالبان با حکومت و دیگر نیروهای سیاسی گفت و گو کنند. از سخنان ایشان برمی آید که تلاش‌های او برای پایان جنگ هنوز در ابتدای کار است. بعید نیست که طالبان پیشنهاد حکومت مؤقت را کرده باشند. طالبان روند پس از بن و قانون اساسی افغانستان را غیر شرعی می دانند. نماینده گان این گروه در نشست مسکو اعلام کردند که آنان نه قانون اساسی افغانستان را قبول دارند و نه روند پس از بن را مشروع می‌دانند. روشن است که هدف طالبان شروع دوباره است. آنان می‌خواهند یک اداره مؤقت به میان آید تا این اداره زمینه را برای نوشتن «قانون اساسی شرعی» و «نظم سیاسی مطابق شریعت» فراهم کند. آنان تفسیر خاصی از شریعت دارند و در تلاش اند تا افکارشان را تحمیل کنند. اما چیزی که طالبان تا هنوز درک نکرده اند، این است که در افغانستان دولتی وجود دارد که مجموع نیروهای سیاسی داخلی و جامعه جهانی مشروعیت آن را قبول دارند. طالبان تصور می کنند که دولتی در افغانستان وجود ندارد و آنچه که به نام حکومت افغانستان خوانده می‌شود، تشکیلات امریکایی است. تصور آنان این است که اگر دفتر قطر با نماینده امریکا روی یک نقشه ای راه به توافق برسد، واشنگتن آن را به جانب کابل تحمیل خواهد کرد.

اما واقعیت خیلی پیچیده تر از این است. از سخنان نماینده خاص امریکا برای پایان جنگ افغانستان پیدا بود که واشنگتن نمی تواند هر چیزی را به کابل تحمیل کند. آقای خلیزاد به صراحت گفت که طرف‌های گفت‌وگو برای پایان جنگ، حکومت افغانستان، نیروهای سیاسی و طالبان هستند. به باور او، روی نقشه راهی که بالاخره به جنگ پایان می‌دهد باید این نیروها توافق کنند. امریکا قادر نیست که با طالبان به توافق برسد و بعد این توافق‌نامه را روی حکومت افغانستان و تمام نیروهای سیاسی این کشور بفرشد. نیروهای سیاسی افغانستان هر کدام نظرات مشخص خودشان را دارند. حکومت افغانستان هم منافع و خواست‌های خود را دارد. تحمیل یک‌جانبه یک توافق احتمالی به حکومت افغانستان و مجموع نیروهای سیاسی، امری است ناممکن. این چیزی است که طالبان آن را درک نکرده‌اند، اما از صحبت‌های زلمی خلیزاد پیدا بود که جانب امریکا نمی‌خواهد به دور از چشمان حکومت و نیروهای سیاسی افغانستان با طالبان به توافق برسد و بعد این توافق را روی همه تحمیل کند.

نماینده خاص امریکا برای پایان جنگ افغانستان در روزهای آینده به احتمال قوی تلاش خواهد کرد تا به طالب‌ها و حامیان آنان حالی کند واشنگتن نمی‌تواند در غیاب نیروهای سیاسی و حکومت افغانستان با اعضای دفتر قطر سند متارکه امضا کند و بعد مفاد این سند را روی کابل و نیروهای سیاسی دیگر بقبولاند. به نظر می‌رسد که نماینده خاص امریکا برای پایان جنگ افغانستان، دیپلوماسی منطقه‌ای را در پیش گرفته است. ضمیر کابلوف نماینده خاص ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، برای افغانستان چند روز پیش گفت که احتمال سفر خلیزاد به مسکو وجود دارد. حتماً آقای خلیزاد، از مسکو، دوحه و کشورهای دیگری که تصور می‌شود روی مذاکره کننده گان طالب نفوذ دارند، خواهد خواست که به گروه بفهمانند که امریکا نمی تواند در غیاب دولت افغانستان و نیروهای سیاسی این کشور، با دفتر قطر به توافق برسد و بعد این توافق را روی کابل و نیروهای سیاسی افغانستان تحمیل کند. واقعیت دیگر این است که دولت افغانستان از نظر حقوق بین‌المللی یک دولت مشروع است و هیچ جهتی نمی‌تواند آن را انکار کند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

در این هیچ تردیدی نیست که ایالات متحده می‌خواهد جنگ افغانستان به پایان برسد و مصارف مالی حضور نظامی واشنگتن در افغانستان کاهش یابد. اما واشنگتن نمی‌تواند خودش یک نقشه راه ترتیب کند و آن را به همه نیروهای سیاسی افغانستان بقبولاند. نقشه راهی مد نظر طالب‌ها در گفت‌وگوهای سیاسی و در دیپلماسی خلیزاد مطرح است. بر مبنای این نقشه راه باید یک اداره ای مؤقت بیاید و بعد طالبان با همه نیروهای سیاسی روی «قانون اساسی نو» و «حکومت جدید» گفت‌وگو کنند. شاید تیم مذاکره کننده ای امریکا با طالبان با این نقشه راه مخالف نباشند، اما نمی‌توانند آن را روی نیروهای سیاسی و حکومت افغانستان تحمیل کنند. توافق روی یک نقشه راه زمانی ممکن است که حکومت، نیروهای سیاسی و طالبان روی آن به توافق برسند و بعد قدرت‌های بین‌المللی در مورد تطبیق آن ضمانت بدهند.

واقعیتی که نباید فراموش شود این است که طالب یک نیروی ایدئولوژیک است. نماینده‌ذگان طالبان در نشست مسکو طوری وانمود کردند که در افکار سیاسی آنان اندکی تغییر آمده است. آنان به مذاکره کننده‌گان کشورهای مختلف می‌گویند که افکار سیاسی آنان تحول کرده است. برخی از دیپلمات‌های غربی هم تصور می‌کنند که برخی از رهبران طالبان دوام جنگ را به نفع این گروه نمی‌دانند. تصور آنان این است که شماری از رهبران طالبان در توجیه جنگ برای جنگ جویان این گروه، به مشکل مواجه شده اند. سربازان اردوی ملی افغانستان و جنگ جویان طالبان، دین مشترک دارند و این امر سبب شده است که برخی از رهبران طالبان در توجیه جنگ به مشکل روبه رو شوند. باور دیگر برخی از دیپلمات‌های غربی این است که شماری از رهبران شورای کویته به این نتیجه رسیده اند که دوام جنگ سبب تقویت گروه های مثل داعش خواهد شد و مشکل بزرگی را برای طالبان خلق خواهد کرد. اما نمی‌توان تمام این برداشت‌ها را درست پذیرفت. نباید واقعیت حضور یک «امیرالمومنین» در رأس گروه طالبان را نادیده گرفت. این امر نشان دهندۀ آن است که طالبان هنوز هم ظرفیت تعامل با نیروهای سیاسی دیگر و پذیرش سیاست رقابتی را پیدا نکرده‌اند. موضع گیری‌های نماینده گان گروه طالبان در همه موارد با عمل کرد آنان یک سان نبوده است. همه به یاد دارند که طالبان در سال ۱۳۷۵ در آستانه ای تسخیر کابل با آن که یک امیرالمومنین داشتند، وانمود می‌کردند که ظاهرشاه را برمی‌گردانند.

چه تضمینی وجود دارد که حالا سیاست اعمالی و اعلامی آنان یکی باشد؟

پایان

با تشکر از روزنامه هشت صبح